

جریان حدیثی امامیه در بصره (عصر حضور)

سید اکبر موسوی^۱

چکیده

این پژوهش، با هدف نشان دادن جریان حدیثی امامیه در بصره در عصر حضور ائمه (ع)، سامان یافته است. غایت نهایی این پژوهش، روشن ساختن زوایای پنهان و ناشناخته بخشی از تاریخ حدیث امامیه در شهر بصره می باشد. پرسش اساسی در این پژوهش، آن است که آیا جریان حدیثی امامیه در عصر ائمه (ع) در شهر بصره حضور داشته و فعال بوده است؟ پرسش یادشده با این فرضیه دنبال می شود که جریان حدیثی امامیه در دوران حضور ائمه (ع) در بصره، حضوری پُررنگ داشته است. به نظر می رسد که ریشه های جریان حدیثی امامیه در آن شهر به سده نخست هجری بازمی گردد؛ اما در اوایل سده دوم و با مهاجرت اصحاب امامی کوفه به بصره و نقش آفرینی آنان، جریان حدیثی امامیه در آنجا شکل گرفته و گسترش پیدا کرده و تا پایان دوران حضور نیز تداوم داشته است.

کلیدواژگان: امامیه، بصره، جریان حدیثی، خط حدیثی متهم به غلو.

درآمد

در عصر حضور ائمه (ع)، مدینه و کوفه به عنوان دو مرکز حدیثی امامیه مطرح بوده اند؛ چه آنکه ائمه و اصحاب، بیشتر در این دو شهر حضور و فعالیت داشته اند. البته افزون بر این شهرها، در سایر جوامع شیعی نیز کم و بیش در دوران حضور ائمه (ع) فعالیت های حدیثی انجام می گرفته است که یکی از آنها، شهر مهم بصره می باشد. این پادگان شهر که در دوره اسلامی بنا شده بود، در سده های نخستین از لحاظ فرهنگی، سیاسی و حتی اقتصادی، بسیار بااهمیت و تأثیرگذار بوده است. در این شهر، گروه های مختلف مذهبی فعال بوده اند

۱. دکترای شیعه شناسی و عضو هیئت علمی پژوهشگاه قرآن و حدیث، رایانامه: tanyani_110@yahoo.com

که در زمان حکمرانی امویان در سده نخست هجری، به یکی مهم‌ترین پایگاه‌های بنی‌امیه مبدل شد؛ تا جایی که آنجا را قطعه‌ای از سرزمین شام می‌گفتند. در همین دوره، جریان ضدّ اهل‌بیتی با مشخصه دشمنی با امام علی (ع) در بصره به وجود آمد که در تاریخ به «عثمانیه» معروف شده‌اند. عثمانی‌گرایان، از حمایت امویان برخوردار بودند و به شدت اصحاب امامیه و هواداران اهل‌بیت (ع) را تحت فشار قرار داده بودند. با همه این‌نااملایمات، حضور اقلیت شیعه در بصره در قرن اوّل هجری، قابل توجه است. باید افزود که در اوایل سده دوم هجری با قدرت‌گیری معتزلیان عقل‌گرا، رفته‌رفته از حضور و فعالیت عثمانی‌گرایان اهل حدیث در بصره کاسته شد و با گسترش فکری معتزلی، آتش عثمانی‌گرایان تندرو در بصره فروکش کرد و در این میان، فضا برای حضور امامیه در بصره بیش از پیش مهیا گشت؛ تا جایی که بعضی از اصحاب اجماع و محدثان نامدار امامی، در بصره مشغول فعالیت حدیثی شدند.

پرسش اساسی این پژوهش، آن است که آیا جریان حدیثی امامیه در عصرائمه (ع) در شهر بصره حضور داشته و فعال بوده است؟ همچنین، پاسخ به این پرسش‌ها در نوشتار حاضر حایز اهمیت است که: پیشینه جریان حدیثی امامیه به چه زمانی برمی‌گردد؟ آیا کوفیان امامی در کانون حدیثی امامیه فعال بوده‌اند؟ حضور و نقش‌آفرینی جریان حدیثی امامیه در بصره به چه میزان بوده است؟ این جریان، در چه بازه زمانی عصر حضور در بصره فعالیت داشته است؟

به نظر می‌رسد که جریان حدیثی امامیه در عصر حضور در بصره فعال بوده است و ریشه‌های آن، به سده نخست هجری بازمی‌گردد؛ اما در اوایل سده دوم و مهاجرت اصحاب امامیه کوفه به بصره و با نقش‌آفرینی کوفیان، جریان حدیثی امامیه در آن شهر شکل گرفت و گسترش یافت و تا پایان دوران حضور نیز تداوم داشت.

شناخت و بررسی جریان حدیثی امامیه در بصره به منظور تحلیل زوایای پنهان تاریخ امامیه، دارای اهمیت فراوانی است. با این حال، در مطالعات معاصر، چندان به تاریخ حدیث امامیه در بصره پرداخته نشده است و در آثاری که درباره تاریخ حدیث شیعه نگاشته شده، تنها در چند صفحه محدود به محدثان بصره به طور گذرا اشاره گردیده است. البته پایان‌نامه‌ای با عنوان «بررسی مکتب حدیثی بصره تا پایان سده پنجم هجری» توسط آقای ابراهیم محبی در دانشگاه قم دفاع شده است که با توجه به عنوان آن، انتظار می‌رفت در آن فعالیت‌های جریان حدیثی امامیه در بصره به طور مبسوط مورد تحلیل و بررسی قرار بگیرد؛ اما نویسنده محترم در آن نوشتار، صرفاً کاری توصیفی و آماری درباره راویان بصره ارائه

داده است.

پیشینه جریان حدیثی امامیه در بصره

پیشینه جریان حدیثی امامیه در بصره را باید از زمان امام علی (ع) و در سده نخست هجری پی جویی کرد. به دلیل عدم جداسازی ملموس میان شیعه و غیرشیعه در آن دوران - تا زمان امام سجاد (ع) - به راحتی نمی توان از مرزبندی همه اصحاب ائمه در قالب شیعی و یا سنی سخن به میان آورد؛ با این حال، کسانی بوده اند که در سده اول به احادیث اهل بیت (ع) اقبال و توجه بیشتری نشان می داده اند؛ به ویژه آنکه این افراد از سوی مخالفان تشیع مورد طعن و نکوهش قرار گرفته اند. در پیشینه شناسی و ریشه یابی جریان حدیثی شیعه در بصره، ناگزیر باید از آنان یاد کنیم.

از پیشگامان جریان حدیثی شیعه در سده اول در بصره می توان از خَلاص (حلاس) بن عمرو هَجَری (م. ح ۱۰۰ ق) نام برد. او را از جمله اصحاب فقیه امیر مؤمنان (ع) بر شمرده اند.^۲ گفته شده که وی در زمره شُرطه آن حضرت نیز قرار داشته است.^۳ رجال شناسان عامه، از خلاص بن عمرو با تعبیر «کثیر الحدیث» نام برده اند.^۴ او از صحابه، به ویژه از امام علی (ع) و عمار یاسر، حدیث آموخته بود.^۵ گفته شده وی کتاب و صحیفه ای از امام علی (ع) در اختیار داشته و از آن روایت می کرده است^۶ و از این رو، او را به عنوان «صحفی» متهم کرده اند؛^۷ چنان که بعدها برخی امام صادق (ع) را نیز با تعبیر «صحفی» تنقیص کردند.^۸

به هر روی، بسیار حایز اهمیت است که بعضی از اصحاب امام علی (ع)، صحیفه ای از احادیث آن حضرت را در اختیار داشته و در بصره آن را انتشار می دادند. جالب تر آنکه برخی مخالفان به سبب نقل خلاص هجری از صحیفه امام علی (ع)، منقولاتش را نپذیرفته، او را

۲. طوسی، رجال، ص ۶۱؛ الأئساب، ج ۲، ص ۲۸۵؛ الاصابة، ج ۵، ص ۱۱۹.

۳. الضعفاء، ج ۲، ص ۲۹.

۴. الطبقات الكبرى، ج ۷، ص ۱۴۹.

۵. سیر الاعلام النبلاء، ج ۴، ص ۴۹۱.

۶. الطبقات الكبرى، ج ۷، ص ۱۴۹؛ سیر الاعلام النبلاء، ج ۴، ص ۴۹۱.

۷. الجرح والتعديل، ج ۳، ص ۴۰۲؛ ابن عدی، الکامل، ج ۳، ص ۶۷.

۸. کافی، ج ۸، ص ۳۶۴؛ علل الشرائع، ج ۱، ص ۸۹.

طرد کرده‌اند.^۹ افزون بر این، عوف بن ابی جمیله اعرابی هَجْری (م. ۱۴۶ق) که در منابع از او با عناوینی مانند «الإمام الحافظ» و «من علماء البصرة» یاد شده است،^{۱۰} از جمله راویان منقولات خَلاص هجری به شمار می‌رود.^{۱۱} روایات ابن ابی جمیله، در مصادر عامه قابل توجه است؛^{۱۲} با این حال، مخالفان با تعبیری چون: رافضی، شیطان و بدعی از او یاد نموده‌اند.^{۱۳} نکته قابل توجه آنکه ابن ابی جمیله اعرابی همانند خَلاص بن عمرو ورشید هجری که از اصحاب امام علی (ع) می‌باشد، از تبار هَجْری‌های یمن می‌باشد^{۱۴} و این موضوع، با گرایش‌های شیعی وی و استادش، خَلاص هجری، بی‌ارتباط نیست.

یکی از کسانی را که می‌توان در زمره متقدمین جریان حدیثی امامیه در بصره برشمرد، شخصی به نام «عمارة بن جوین بصری» (م. ۱۳۴ق) معروف به ابوهارون عبدی می‌باشد. پدر او در نبرد نهروان همراه امیر مؤمنان (ع) بوده است؛^{۱۵} با این حال، فرزندش عمارة گرایش خارجی داشته که پس از چندی از مذهب خوارج دست برداشت و به تشیع گروید.^{۱۶} ابوهارون عبدی پس از بازگشت به تشیع، به عنوان یکی از سرسخت‌ترین محدثان هوادار امام علی (ع) در بصره مطرح بوده است^{۱۷} و به شدت با عثمان دشمنی می‌ورزیده و حتی او را کافر می‌دانسته است.^{۱۸} از این رو، مورد نکوهش مخالفان قرار داشته است. گفته شده که ابوهارون عبدی، کتابی از سخنان امام علی (ع)^{۱۹} به نام صحیفه الوصی در دست داشته است^{۲۰} که خودش آن را «کتاب حق» می‌نامید.^{۲۱} معلوم نیست که ابوهارون عبدی چگونه به

۹. العلیل، ج ۱، ص ۳۶۴؛ الجرح والتعديل، ج ۳، ص ۴۰۲.

۱۰. سیر الاعلام النبلاء، ج ۶، ص ۳۸۳ و ۳۸۴.

۱۱. تاریخ الاسلام، ج ۶، ص ۳۴۷ و ۳۴۸؛ تهذیب التهذیب، ج ۳، ص ۱۵۲.

۱۲. تاریخ الاسلام، ج ۹، ص ۲۴۷.

۱۳. الضعفاء، ج ۳، ص ۴۲۹. با این حال، برخی ادعا کرده‌اند که او از فضایل عثمان نیز روایت می‌کرده است. (تاریخ ابن معین، ج ۲، ص ۱۱۲) اگر این ادعا واقعیت داشته باشد، باید گفت که عوف اعرابی برای خوشایند بصریان عثمانی‌گرا و متعصب، چنین روایاتی را نقل کرده است؛ وگرنه شیعیان، هرگز به فضایل عثمان تن در نمی‌دادند.

۱۴. الأُنساب، ج ۵، ص ۶۲۷.

۱۵. تاریخ بغداد، ج ۷، ص ۲۵۷.

۱۶. ابن عدی، الکامل، ج ۵، ص ۷۸.

۱۷. همان، ص ۷۹. هموست که از ابوسعید خدری نقل می‌کند: «أما إنا كنا نعرف منافقينا بیغضهم علی بن ابی طالب.»

۱۸. میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۱۷۴؛ تهذیب التهذیب، ج ۷، ص ۳۶۲.

۱۹. قبول الأخبار، ج ۲، ص ۳۹۱.

۲۰. المعجرو حین، ج ۲، ص ۱۷۷.

۲۱. الضعفاء، ج ۳، ص ۳۱۴؛ قبول الأخبار، ج ۲، ص ۳۹۱.

این صحیفه دست پیدا کرده است. بعید نمی‌نماید که صحیفه یادشده از طریق خَلاس هجری به وی رسیده باشد. او از جایگاه بالایی در عرصه حدیث برخوردار بوده است. بسیاری از عامه، ابوهارون عبدی را به دلیل شیعه بودنش تضعیف و تکذیب نموده‌اند و عموماً از نقل منقولات وی احتراز کرده‌اند؛^{۲۲} ولی با این حال، بعضی از بزرگان‌شان مانند سفیان ثوری، به نقل روایات او توجه نشان داده‌اند.^{۲۳} شگفت آنکه روایات زیادی از او در مصادر فعلی امامیه انعکاس نیافته است.

برخی از اصحاب امام باقر(ع) نیز در اواخر سده اوّل و اوایل سده دوم هجری، در بصره فعال بوده‌اند؛ از جمله آنها اسماعیل بن فضل نوفلی، از اصحاب موثق امامیه است که از تبار دودمان آل نوفل می‌باشد و در بصره ساکن بوده است؛^{۲۴} همو که امام صادق(ع) درباره‌اش فرموده است: «هو کهل من کهلنا و سید من ساداتنا.»^{۲۵} شیخ طوسی نیز با تعبیر «ذوی البصیرة والاستقامة» او را ستوده است.^{۲۶} برادرش اسحاق بن فضل نوفلی هم در زمره اصحاب امام باقر(ع) قرار داشته است.^{۲۷} گمان می‌رود، وی نیز همانند برادرش در بصره سکونت داشته و در آنجا فعالیت حدیثی می‌کرده است. افزون بر این، فضیل بن یسار بصری از یاران مورد اعتماد امام باقر(ع)، در بصره حضور داشته است^{۲۸} که در ادامه، به فعالیت‌های حدیثی وی و خاندانش اشاره خواهیم کرد.

همچنین، ابوسفیان حرب بن سریج منقری،^{۲۹} از اصحاب امام باقر(ع) در بصره بوده و در آنجا احادیث آن حضرت را منتشر کرده است.^{۳۰} او با محدثان عامه بصره نیز ارتباط داشته است. از این رو، در منابع رجالی اهل سنت از او یاد شده است^{۳۱} و رجال‌شناسان سنی، برخی

۲۲. قبول الأخبار، ج ۲، ص ۳۵۷.

۲۳. ابن عدی، الکامل، ج ۵، ص ۷۹.

۲۴. طوسی، رجال، ص ۱۲۴.

۲۵. خلاصة الأقوال، ص ۵۳ و ۵۴.

۲۶. لسان المیزان، ج ۱، ص ۴۲۶.

۲۷. طوسی، رجال، ص ۱۲۵.

۲۸. همان، ص ۱۴۳.

۲۹. در منابع امامیه، با عنوان حارث بن شریح ضبط شده است. (رک: طوسی، رجال، ص ۱۳۲؛ قاموس الرجال، ج ۳، ص ۳۷)

۳۰. العلال، ج ۲، ص ۲۸؛ الجرح والتعديل، ج ۳، ص ۲۵۰؛ ابن عدی، الکامل، ج ۲، ص ۴۱۸ و ۴۱۹.

۳۱. میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۴۶۹؛ تهذیب التهذیب، ج ۲، ص ۱۹۶ و ۱۹۷.

احادیث وی را غریب و منفرد توصیف کرده‌اند.^{۳۲} ابووهب سیف بن وهب تمیمی، از جمله راویان بصری امام باقر(ع) محسوب می‌شود.^{۳۳} او با ابوالطفیل عامر بن وائله - صحابه و طرف دار سرسخت امیر مؤمنان(ع) - ارتباط داشته و از وی نقل احادیث امام علی(ع) را درخواست می‌کرده است.^{۳۴} به احتمال زیاد، گرایش شیعی ابووهب بصری موجب شده تا رجال شناسان عامه او را تضعیف نمایند؛^{۳۵} تا جایی که یحیی بن سعید قطان درباره وی گفته است: «کان سیف هالکا من الهالکین».^{۳۶}

غیر از افراد یادشده، برخی دیگر از اصحاب امام باقر(ع) نیز در این بازه زمانی در بصره کم و بیش فعال بوده‌اند که در این زمینه می‌توان به: حارث بن مغیره نصری بصری،^{۳۷} خیشمه بن ابی خیشمه بصری،^{۳۸} خالد بصری،^{۳۹} حسن بن زیاد بصری^{۴۰} و مالک بن اعین جهنی بصری^{۴۱} اشاره کرد.

با این همه، نمی‌توان از یک جریان منسجم و فعال حدیثی شیعه در سده اول سخن به میان آورد؛ چراکه هنوز عثمانی گرایان ضد شیعه در این دوره، بسیار قدرتمند هستند و شرایط برای فعالیت‌های حدیثی نظام مند و پرورش شاگردان به طور گسترده، برای اقلیت شیعه فراهم نشده است.

مهاجرت اصحاب کوفی به بصره و فعالیت‌های حدیثی آنان

در آغاز سده دوم هجری به دلیل فعالیت‌های عقل‌گرایان معتزلی، به تدریج فضای عثمانی‌گرایی و ضد اهل‌بیتی در بصره فروکش کرد. در نتیجه، برخی از اصحاب سرشناس کوفی به بصره مهاجرت نمودند و در آنجا فعالیت‌های حدیثی و حتی کلامی خویش را پیگیری کردند. مهاجرت اصحاب کوفی، تقریباً از اوایل سده دوم هجری آغاز شده و تا اوایل

۳۲. ابن عدی، الکامل، ج ۲، ص ۴۱۹.

۳۳. تهذیب الکمال، ج ۱۲، ص ۳۳۶؛ تهذیب التهذیب، ج ۴، ص ۲۶۲.

۳۴. تاریخ مدینه دمشق، ج ۱۷، ص ۳۳۴ و ۳۳۵.

۳۵. المغنی فی الضعفاء، ج ۱، ص ۴۶۱.

۳۶. الجرح والتعديل، ج ۴، ص ۲۷۵.

۳۷. طوسی، رجال، ص ۱۳۲؛ نجاشی، رجال، ص ۱۳۹.

۳۸. کافی، ج ۲، ص ۳۸؛ الضعفاء، ج ۲، ص ۲۹؛ الجرح والتعديل، ج ۳، ص ۳۹۴.

۳۹. تاریخ‌الکبیر، ج ۳، ص ۱۷۸؛ الجرح والتعديل، ج ۳، ص ۳۶۲.

۴۰. طوسی، رجال، ص ۱۳۱.

۴۱. همان، ص ۱۴۵؛ اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۴۷۸.

سده سوم هجری نیز ادامه داشته است. حضور اینان با آغاز فعالیت های جریان کلامی معتزله در بصره، هم زمان بوده است. از این رو، شاید بتوان گفت فعالیت هم زمان اصحاب امامیه و عقل گرایان معتزلی، در تسریع افول و کم فروغی عثمانی گرایان در بصره تأثیرگذار بوده است. در منابع موجود، از اهداف مهاجرت اصحاب امامیه به بصره صراحتاً سخن به میان نیامده است؛ ولی با توجه موقعیت علمی و فرهنگی ویژه بصره، می توان گفت که اصحاب امامی کوفه برای علم پراکنی و نشر معارف اهل بیت (ع) بدانجا کوچیده اند.

یکی سرشناس ترین چهره های اصحاب امامیه، فضیل بن یسار نهدی از وابستگان قبیله بنی نهد می باشد که از کوفه به بصره رفته، در آنجا اقامت گزیده بود.^{۴۲} او در زمره اصحاب صادقین (ع) به شمار می رفت و در زمان امام صادق (ع) نیز درگذشت.^{۴۳} به گفته کثی، وی در زمره شش فقیه بزرگ از اصحاب نخستین صادقین (ع) قرار داشته است.^{۴۴} فضیل بن یسار از جایگاه بلندی در نزد ائمه برخوردار بوده و از سوی آنها مورد تمجید قرار گرفته است؛ تا جایی که امام صادق (ع) درباره اش فرمود: «رحم الله الفضیل بن یسار، هو منّا اهل البیت.»^{۴۵} روایات او در منابع روایی امامیه نیز قابل توجه است. گمان می رود، فعالیت های حدیثی فضیل بن یسار در شهر عثمانی گرای بصره موجب شده است که رجال شناسان عامه، نظر خوشایندی به وی نداشته باشند و با تعابیری چون «رجل سوء» و «رافضیاً کذاباً ممن لایحتج به و لا یعتمد علیه» از او نام برده اند.^{۴۶} البته برخی از آنان، فضیل بن یسار را توثیق عام کرده اند.^{۴۷} از اصحاب مهاجر کوفی به بصره، می توان به محمد بن مروان ذهلی کوفی، از اصحاب امام باقر (ع) و امام صادق (ع) اشاره کرد.^{۴۸} او از تبار ابوالأسود دوئلی بوده است.^{۴۹} گفته شده که وی در سال ۱۶۱ قمری در سن هشتاد و سه سالگی - ظاهراً در بصره - درگذشته است.^{۵۰} فهرست نگاران، کتابی بی نام برای او ذکر می کنند که حسن بن سماعه، راوی آن

۴۲. کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۴۱.

۴۳. نجاشی، رجال، ص ۳۰۹.

۴۴. اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۵۰۷.

۴۵. کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۴۱.

۴۶. لسان المیزان، ج ۴، ص ۴۵۴.

۴۷. تاریخ الکبیر، ج ۷، ص ۱۲۲؛ الفقیات، ج ۷، ص ۳۱۵.

۴۸. اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۴۷۴؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۳۴۰؛ طوسی، رجال، ص ۲۹۵.

۴۹. اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۴۷۴.

۵۰. طوسی، رجال، ص ۲۹۵.

است.^{۵۱}

یکی دیگر از شاخص‌ترین اصحاب امامیه که از کوفه به بصره رفت و در آنجا سکنا گزید، حماد بن عیسی جهنی از یاران امام صادق (ع)، امام کاظم (ع) و امام رضا (ع) می‌باشد.^{۵۲} جایگاه او در حدیث و فقه امامیه، به قدری بلند است که علمای امامیه او را در زمره اصحاب اجماع برشمردند.^{۵۳} حماد بن عیسی جهنی آثاری نیز تألیف کرده بود که معروف‌ترین آنها کتاب *مسائل التلمیذ* می‌باشد.^{۵۴} این کتاب، موضوعات ناهمگونی چون: مواعظ، منافع اعضای انسان و حیوان و همچنین مسائل کلامی توحید را در برداشت که وی از امام صادق (ع) پرسیده و پاسخشان را دریافت کرده بود.^{۵۵} حماد بن عیسی با دیگر اصحاب امامی بصره همچون فضیل بن یسار مرتبط بوده^{۵۶} و به همراه عباد بن صهیب بصری نیز از امام صادق (ع) حدیث فرا گرفته است.^{۵۷} همچنین، او یکی از راویان آثار اصحاب بصری نیز به شمار می‌رود و پسینیان از طریق وی به بعضی میراث حدیثی بصره دست یافته‌اند.^{۵۸}

ابان بن عثمان بجلي کوفی، از اصحاب امام صادق (ع) و امام کاظم (ع) نیز گاهی در کوفه و گاهی در بصره زندگی می‌کرده است.^{۵۹} او در میان حدیث‌گرایان امامیه، از موقعیت ممتازی برخوردار بوده است؛ تا جایی که نام وی را همانند حماد بن عیسی جهنی، در زمره اصحاب اجماع ذکر کرده‌اند.^{۶۰} ابان بن عثمان بجلي با اصحاب امامیه در بصره همچون: فضیل بن یسار، حارث بن مغیره نصری و عبدالرحمن بن ابی عبدالله بصری مرتبط بوده و از آنها حدیث شنیده است.^{۶۱} از شاگردان حدیثی وی در بصره، اطلاعی در دست نیست؛

۵۱. طوسی، *الفهرست*، ص ۲۱۷.

۵۲. برقی، *رجال*، ص ۲۱.

۵۳. نجاشی، *رجال*، ص ۱۴۲.

۵۴. *اختیار معرفة الرجال*، ج ۲، ص ۶۷۳.

۵۵. نجاشی، *رجال*، ص ۱۴۳.

۵۶. همان.

۵۷. همان، ص ۳۰۹.

۵۸. *اختیار معرفة الرجال*، ج ۲، ص ۶۰۴.

۵۹. نجاشی، *رجال*، ص ۱۶۷ و ۳۰۹.

۶۰. طوسی، *الفهرست*، ص ۵۹؛ نجاشی، *رجال*، ص ۱۳.

۶۱. *اختیار معرفة الرجال*، ج ۲، ص ۶۷۳.

۶۲. *المحاسن*، ج ۱، ص ۲۳۲؛ همان، ج ۲، ص ۳۹۳ و ۳۹۵؛ *کافی*، ج ۱، ص ۲۳۴؛ همان، ج ۲، ص ۱۸، ۲۱۰، ۲۵۶ و

ولی می دانیم که بصریان اخبار تاریخی را از او فرا گرفته بودند.^{۶۳} ناگفته نماند که ابان بن عثمان افزون بر آثار تاریخی،^{۶۴} نگاشته های حدیثی نیز داشته است و فهرست نگاران از اصل حدیثی وی سخن به میان آورده اند.^{۶۵} بیش از این، از فعالیت های حدیثی ابان در بصره چیزی نمی دانیم.

در میان اصحاب مهاجر کوفی به بصره، هجرت مفضل بن محمد ضبی کوفی از اصحاب امام صادق (ع) نیز قابل توجه می باشد.^{۶۶} او در بصره با مالک بن اعین جهنی از اصحاب امامیه در ارتباط بوده و از وی حدیث استماع کرده است.^{۶۷} ظاهراً مفضل بن محمد از چهره های شناخته شده شیعه در بصره به شمار می رفته و از این رو، ابراهیم بن حسن علوی - از علویان قیام کننده - مدتی را مخفیانه در منزل وی به سر برده است.^{۶۸} از فعالیت های حدیثی مفضل بن محمد ضبی، خیلی گزارش نشده و احادیث چندانی از او در منابع فعلی باقی نمانده است و تنها یک روایت در موضوع امامت امام باقر (ع) به نقل از فرزند وی، در مصادر روایی یافت می شود.^{۶۹} البته شخصیت حدیثی مفضل بن محمد ضبی، برای اهل سنت شناخته شده بوده و از این رو، ابوحاتم رازی (م. ۲۷۷ق) با تعبیر «متروک القرائة والحدیث»، او را وصف کرده است.^{۷۰}

عبدالنور بن عبدالله بن سنان اسدی کوفی، از اصحاب امام صادق (ع) نیز از کوفه رهسپار بصره شده است.^{۷۱} در منابع امامیه، زیاد به این شخصیت پرداخته نشده است؛ ولی نویسندگان عامه، آگاهی خوبی از وی به دست داده اند. به گفته ابن حبان بُستی، او از موالی مسامعه در بصره بوده است.^{۷۲} از این رو، نویسندگان عامه با عنوان «مسمعی» از او یاد

۴۱۰؛ همان، ج ۳، ص ۴۹، ۱۷۵ و ۱۷۹؛ اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۳۴، ۴۱۲، ۴۷۳ و ۵۱۲.

۶۳. نجاشی، رجال، ص ۱۳.

۶۴. همان.

۶۵. طوسی، الفهرست، ص ۶۱.

۶۶. طوسی، رجال، ص ۳۰۷.

۶۷. طوسی، امالی، ص ۵۰۱.

۶۸. عمدة الطالب، ص ۱۰۹.

۶۹. کفایة الأثر، ص ۲۴۱.

۷۰. میزان الاعتدال، ج ۴، ص ۱۷۰.

۷۱. طوسی، رجال، ص ۲۴۲.

۷۲. الثقات، ج ۸، ص ۴۲۳ و ۴۲۴.

کرده‌اند.^{۷۳} مسمعی‌ها یکی از تیره‌های قبیله بنی بکرین وائل در بصره می‌باشند که شماری از این دودمان، از جمله ابوسیار مسمع بن عبدالملک ملقب به گردین، شیخ و بزرگ آنان، در زمره اصحاب برجسته امامیه قرار دارند.^{۷۴} بنابراین، عبدالنورین عبدالله کوفی در بصره با حمایت یکی از خاندان‌های شیعی آن شهر، فعالیت‌های حدیثی خویش را دنبال می‌کرده است. البته اغلب رجال‌شناسان اهل سنت احادیث وی را برنتافته، شخصیت حدیثی او را تضعیف کرده‌اند؛ تا جایی که ابوجعفر عقیلی درباره‌اش گفته است: «کان غالباً فی الرفض و یضع الحدیث، خبیثاً»^{۷۵} همچنین، ذهبی و نورالدین هیثمی با تعبیر «کذاب» از او یاد کرده‌اند.^{۷۶}

عبدالنور بصری از جایگاه حدیثی قابل توجهی در بصره برخوردار بوده است و جمعی از بصریان در شمار راویان وی قرار دارند.^{۷۷} احادیث او نوعاً در موضوع فضیلت اهل بیت (ع) بوده و احتمالاً به همین جهت، مورد نکوهش مخالفان قرار گرفته است. ناگفته نماند که منقولات وی، در منابع اهل سنت یافت می‌شود^{۷۸} و مصادر امامی در این میان، سهم ناچیزی دارند.^{۷۹}

غیر از افراد یادشده، می‌توان از کوفیان دیگری مانند: حازم بن ابراهیم بجلی کوفی، ربیع بن زیاد ضبی کوفی و عبدالملک بن خالد کوفی از اصحاب امام صادق (ع) که به بصره منتقل شده‌اند، نام برد.^{۸۰} همچنین، گفته شده شهاب بن عبدربه اسدی کوفی، از خاندان حدیثی آل عبدربه^{۸۱} و از اصحاب امام صادق (ع)، مدتی را در بصره به سر می‌برده است.^{۸۲}

۷۳. میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۶۷۱؛ لسان المیزان، ج ۴، ص ۷۷.

۷۴. نجاشی، رجال، ص ۴۲۰.

۷۵. الضعفاء، ج ۳، ص ۱۱۴.

۷۶. میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۶۷۱؛ مجمع الزوائد، ج ۴، ص ۳۰۷؛ همان، ج ۸، ص ۴۲؛ همان، ج ۹، ص ۲۰۵ و ۳۴۴.

۷۷. الثقات، ج ۸، ص ۴۲۳ و ۴۲۴.

۷۸. المعجم الكبير، ج ۱۰، ص ۱۵۶؛ همان، ج ۲۲، ص ۴۰۷ و ۴۰۸؛ المعجم الاوسط، ج ۷، ص ۱۵۶ و ۱۵۷؛ تاریخ

دمشق، ج ۴۲، ص ۲۱۰ و ۲۷۱.

۷۹. طوسی، امالی، ص ۲۵۱؛ دلائل الإمامة، ص ۱۴۲ و ۱۴۳.

۸۰. طوسی، رجال، ص ۱۹۴، ۲۰۴ و ۲۳۸.

۸۱. رک: اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۷۱۲.

۸۲. همان، ص ۷۱۲ و ۷۱۳.

حضور امام کاظم (ع) و امام رضا (ع) در بصره و ارتباط جریان حدیثی با ایشان

حضور امام کاظم (ع) و امام رضا (ع) در بصره در تقویت جریان حدیث گرای امامیه در بصره بی‌تأثیر نبوده است. امام کاظم (ع) به دستور هارون عباسی در مدینه دستگیر شد و او را تحت‌الحفظ به بصره فرستادند و در آنجا زندانی گردید. حبس آن حضرت در بصره، تقریباً به مدت یک سال طول کشید و پس از آن، به بغداد برده شد.^{۸۳} به نظر می‌رسد که حبس امام کاظم (ع) در بصره، با فشار و خفقان شدید همراه نبوده است و از این رو، شیعیان می‌توانستند جسته و گریخته با آن حضرت دیدار کنند و کسب معارف نمایند. در این میان، محدثان امامیه در بصره فرصت را غنیمت شمرده، ضمن ملاقات با امام کاظم (ع)، احادیثی را نیز از ایشان استماع کرده‌اند. حماد بن عیسی جهنی، یکی از اصحابی است که آن حضرت را در بصره ملاقات کرده است.^{۸۴} یاسین ضربریزیات نیز هنگام حضور امام کاظم (ع) در بصره، با آن حضرت ارتباط داشته و حدیث فرا گرفته و آن احادیث را در کتابی تدوین ساخته بود.^{۸۵}

حضور امام کاظم (ع) در بصره، به قدری برای شیعیان با اهمیت بوده که برخی از اصحاب محدث مانند داود رقی، در سال ۱۷۹ قمری برای ملاقات با امام کاظم (ع) راهی بصره شده و در آن شهر از امام اخذ روایت کرده است.^{۸۶} احتمالاً حسین بن مختار کوفی^{۸۷} نیز برای دیدار آن حضرت رهسپار بصره شده است.^{۸۸} شایان ذکر است که امام کاظم (ع) در بصره و از طریق بصریان، توقیعی مبنی بر جانشینی امام رضا (ع) صادر کرده است.^{۸۹}

امام رضا (ع) نیز در جریان سفر به خراسان، مدتی کوتاهی را در بصره حضور داشته است که این حضور اندک نیز از چشم اصحاب حدیث‌گرای امامیه در بصره مغفول نماند.^{۹۰} محمد بن (قاسم بن) فضیل بن یسار بصری، از سرشناسان اصحاب محدث امامیه در بصره با امام رضا (ع) مرتبط بوده است و حتی بعضی گزارش‌ها، از حضور آن حضرت در منزل

۸۳. عیون اخبار الرضا (ع)، ج ۱، ص ۸۲-۸۴.

۸۴. قرب الاسناد، ص ۳۱۰.

۸۵. نجاشی، رجال، ص ۴۵۳.

۸۶. همان، ص ۳۳۶ و ۳۳۷.

۸۷. درباره شخصیت وی، رک: نجاشی، رجال، ص ۵۴.

۸۸. عیون اخبار الرضا (ع)، ج ۱، ص ۳۹.

۸۹. کافی، ج ۱، ص ۳۱۲ و ۳۱۳؛ عیون اخبار الرضا (ع)، ج ۱، ص ۳۶.

۹۰. کافی، ج ۶، ص ۲۵۲.

محمد بن فضیل در بصره حکایت دارند.^{۹۱}

شکل‌گیری جریان حدیثی امامیه بصره از اواخر سده دوم تا نیمه سده سوم

با مهاجرت اصحاب نامدار امامیه از کوفه به بصره در نیمه اول سده دوم هجری و فعالیت‌های حدیثی آنان در آنجا، شرایط برای شکل‌گیری یک کانون حدیثی و جریان منسجم حدیثی در بصره فراهم گردید. با تکیه بر پاره‌ای از شواهد، می‌توان گفت تقریباً از اواخر سده دوم هجری با فعالیت حدیثی پرورش‌یافتگان اصحاب مهاجر کوفی، جریان حدیثی امامیه در بصره به شکل‌گیری نهایی خویش رسید و توانست به عنوان یک جریان مستقل در تاریخ اندیشه امامیه در بصره مطرح و نقش‌آفرین باشد. باید افزود که جریان یادشده، طی مراحل و فراز و فرودهایی چند، تا پایان سده چهارم هجری در بصره تداوم پیدا کرد که مرحله نخست آن، حدوداً تا آستانه غیبت صغری ادامه داشته است.

از برجسته‌ترین افراد فعال جریان حدیث‌گرایی در این بازه زمانی، می‌توان به خاندان فضیل بن یسار کوفی بصری و شاگردان وی اشاره کرد. قاسم بن فضیل بن یسار، از اصحاب موثق امامیه در بصره می‌باشد^{۹۲} که به نظر می‌رسد پس از پدرش، او به همراه برادرش نقش محوری در جریان حدیثی بصره ایفا می‌کرده‌اند. روایات قابل توجهی از قاسم بن فضیل بصری در منابع روایی امامیه یافت می‌شود^{۹۳} که نشان‌دهنده فعالیت‌های حدیثی وی می‌باشد. گفتنی است که قاسم بن فضیل، کتابی حدیثی داشته است که محمد بن ابی عمیر از برجستگان جریان حدیث‌گرایی بغداد، به روایت آن اهتمام ورزیده است.^{۹۴} علاء بن فضیل، فرزند دیگر فضیل بن یسار بصری نیز در کانون حدیثی امامیه در بصره در نیمه دوم سده دوم هجری فعال بوده است^{۹۵} و فهرست نگاران برای او کتابی حدیثی نیز بر شمرده‌اند که بزرگانی چون محمد بن سنان، به نشر آن اثر توجه نشان داده‌اند.^{۹۶}

یکی از معروف‌ترین محدثان خاندان فضیل بن یسار، محمد بن قاسم بن فضیل می‌باشد که

۹۱. مستطرفات السرائر، ص ۵۸۰.

۹۲. نجاشی، رجال، ص ۳۱۳.

۹۳. معجم رجال الحدیث، ج ۱۵، ص ۳۹.

۹۴. نجاشی، رجال، ص ۳۱۳.

۹۵. همان، ص ۲۹۸.

۹۶. همان.

در جریان حدیثی بصره نقش آفرین بوده است.^{۹۷} او در زمره اصحاب امام رضا(ع) قرار دارد^{۹۸} و با آن حضرت مکاتبه نیز داشته است.^{۹۹} در جریان سفر امام رضا(ع) به خراسان، محمد بن قاسم، از جمله کسانی بود که با آن حضرت در بصره دیدار کرده است.^{۱۰۰} باید افزود که محمد بن فضیل با علی بن مهزیار اهوازی، از محدثان ممتاز امامیه، مرتبط بوده است.^{۱۰۱} ناگفته نماند که قمی ها آثار حدیثی خاندان فضیل بن یسار را در اختیار داشته، به نقل و نشر آنها توجه نشان داده‌اند.^{۱۰۲}

نقش آفرینی عبدالرحمن بن ابی عبدالله بصری، داماد فضیل بن یسار در مرکز حدیثی بصره نیز قابل توجه می‌باشد.^{۱۰۳} شیخ طوسی او را اصالتاً اهل کوفه معرفی کرده است؛^{۱۰۴} ولی عیاشی به نقل از ابن فضال، پدر وی ابو عبدالله میمون را از اهالی بصره دانسته است.^{۱۰۵} به هر روی، عبدالرحمن بن ابی عبدالله نیز همانند سایر خاندان فضیل بن یسار در بصره فعالیت حدیثی می‌کرده و روایات قابل ملاحظه‌ای از وی در منابع امامیه یافت می‌شود. گزارش شده که او هفتصد مسئله را از حضرت صادق(ع) پرسش کرده بود.^{۱۰۶} فرزندش همام بن عبدالرحمن بصری نیز در زمره محدثان قرار داشته است.^{۱۰۷} همچنین، نواده‌اش ابوهمام اسماعیل بن همام بن عبدالرحمن بصری، از جمله اصحاب موثق امام رضا(ع) و از فعالان حوزه حدیثی بصره محسوب می‌شود.^{۱۰۸}

از شخصیت‌های تأثیرگذار جریان حدیثی امامیه در بصره، ربیع بن عبدالله بن الجارود بن ابی سبره هذلی بصری است^{۱۰۹} که نیایش جارود بن ابی سبره (م. ۱۲۰ق) از بزرگان شیعه در

۹۷. همان، ص ۳۶۲.

۹۸. طوسی، رجال، ص ۳۶۶.

۹۹. کافی، ج ۳، ص ۵۴۱.

۱۰۰. مستطرفات السرائر، ص ۵۸۰.

۱۰۱. کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۶۰.

۱۰۲. نجاشی، رجال، ص ۲۹۸، ۳۱۲ و ۳۶۲.

۱۰۳. اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۵۹۹.

۱۰۴. طوسی، رجال، ص ۲۳۶.

۱۰۵. اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۵۹۹.

۱۰۶. خلاصة الاقوال، ص ۲۰۴.

۱۰۷. نجاشی، رجال، ص ۳۰.

۱۰۸. همان.

۱۰۹. همان، ص ۱۶۷.

بصره محسوب می‌شده و از این رو، مورد آزار حاکم وقت عراق، یعنی حجاج بن یوسف ثقفی قرار داشته است.^{۱۱۰} ربیع بن عبدالله، از خواص اصحاب فضیل بن یسار به شمار می‌رفته و بیش از هرکسی، از او استماع حدیث کرده است.^{۱۱۱} البته وی با اصحاب محدث امامیه در کوفه، مانند: برید بن معاویه، ابوبصیر و محمد بن مسلم نیز ارتباط داشته و از آنان نیز حدیث شنیده است.^{۱۱۲} و بزرگانی چون ابن ابی عمیر و صفوان بن یحیی، به نشر منقولات وی اهتمام داشته‌اند.^{۱۱۳} کتاب‌های روایی او را نیز محدثان قمی در اختیار داشته‌اند.^{۱۱۴}

عمر بن محمد بن عبدالرحمن بن اذینه بصری، معروف به عمر بن اذینه، از محدثان صاحب نام جریان حدیثی امامیه در بصره به شمار می‌رود. حضور و نقش او در کانون حدیثی بصره، بسیار با اهمیت بوده است؛ تا جایی که نویسندگان امامی با تعبیر «شیخ اصحابنا البصریین و وجههم» از وی نام برده‌اند.^{۱۱۵} برخی عمر بن اذینه را کوفی الأصل معرفی کرده‌اند.^{۱۱۶} از آنجا که زمان حجاج بن یوسف ثقفی در سال ۸۳ قمری جدش عبدالرحمن بن اذینه منصب قضاوت بصره را عهده‌دار بوده،^{۱۱۷} ظاهراً از آن هنگام خاندان ابن اذینه از کوفه به بصره آمده و در آنجا ساکن شده‌اند؛ ضمن اینکه خاندان ابن اذینه، سرشناس بوده و از ناقلان حدیث اهل سنت به شمار می‌رفته‌اند. جدش عبدالرحمن بن اذینه (م. ۹۵ ق)، از راویان ابوهریره بوده است.^{۱۱۸} و همچنین، گفته شده دقره، مادر عبدالرحمن ابن اذینه، با عایشه دیدار کرده و از او حدیث شنیده است.^{۱۱۹} به هر روی، عمر بن اذینه امامی مذهب بوده و در مرکز حدیثی امامیه در بصره جایگاه ویژه‌ای داشته است. او با فضیل بن یسار، محدث تأثیرگذار امامیه بصره، مراوده داشته و از وی حدیث شنیده است.^{۱۲۰} است. افزون بر این، وی با برجستگان حدیثی امامیه کوفه مانند: برید بن معاویه عجلی،

۱۱۰. البیان والتبیین، ص ۱۷۴.

۱۱۱. نجاشی، رجال، ص ۱۶۷.

۱۱۲. معجم رجال الحدیث، ج ۸، ص ۱۷۰.

۱۱۳. همان.

۱۱۴. طوسی، الفهرست، ص ۱۲۸.

۱۱۵. نجاشی، رجال، ص ۲۸۳.

۱۱۶. اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۶۲۶.

۱۱۷. تاریخ خلیفه، ص ۲۲۹.

۱۱۸. تهذیب التهذیب، ج ۶، ص ۱۲۳.

۱۱۹. الطبقات الكبرى، ج ۸، ص ۴۹۰.

۱۲۰. بصائر الدرجات، ص ۲۱۶؛ کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۴۱.

حمران بن اعین، محمد بن مسلم و بکیر بن اعین نیز مرتبط بوده است.^{۱۲۱} گفتنی است که فهرست نگاران، از میراث روایی ابن اذینه سخن به میان آورده اند که در محافل اصحاب حدیث گرای امامیه نیز بدان ها توجه شده است.^{۱۲۲} ابن ندیم، اثر فقهی او را در شمار آثار مشهور فقهی امامیه یاد کرده است.^{۱۲۳}

ابراهیم بن رجاء جحدری بصری، از تبار بنی قیس بن ثعلبه و از جمله محدثان موثق و مورد اعتماد امامیه نیز در اوایل سده سوم هجری در بصره فعالیت داشته است.^{۱۲۴} اطلاع چندانی از این شخصیت نداریم؛ ولی می دانیم که ابراهیم بن هاشم کوفی قمی با او در ارتباط بوده^{۱۲۵} و کتاب فضائل وی را نیز روایت کرده است.^{۱۲۶}

حسن بن محمد بن احمد صفار بصری، از محدثان بنام بصره نیز در همین دوره می زیسته و نجاشی از او با تعبیر «شیخ من اصحابنا» نام برده است.^{۱۲۷} از مشایخ حدیثی وی می توان به: حسن بن سماعه، معاویه بن حکیم کوفی، محمد بن حسین، محمد بن تسنیم و عباد رواجنی اشاره کرد.^{۱۲۸} برای او کتاب حدیثی با عنوان خروج القائم والملاحم ذکر کرده اند.^{۱۲۹} همچنین، در این دوره می توان به معلی بن محمد زیادی بصری، از محدثان پُرروایت بصره اشاره کرد.^{۱۳۰} روایات ابوالحسن زیادی بصری، در زمینه هایی نظیر: فقهی،^{۱۳۱} عقاید،^{۱۳۲} مناقب و فضایل^{۱۳۳} و ردّ بر مخالفان^{۱۳۴} قابل توجه می باشد؛ به گونه ای که کلینی برخی از ابواب کتاب مهم کافی را به طور کلی^{۱۳۵} یا بخش فراوانی^{۱۳۶} را به احادیث او اختصاص داده

۱۲۱. معجم رجال الحدیث، ج ۱۴، ص ۲۳ و ۲۴.

۱۲۲. طوسی، الفهرست، ص ۱۸۴.

۱۲۳. ابن ندیم، فهرست، ص ۲۷۵.

۱۲۴. نجاشی، رجال، ص ۱۶؛ طوسی، الفهرست، ص ۳۵.

۱۲۵. لسان المیزان، ج ۱، ص ۵۶.

۱۲۶. نجاشی، رجال، ص ۱۶؛ طوسی، الفهرست، ص ۳۵.

۱۲۷. نجاشی، رجال، ص ۴۸.

۱۲۸. همان.

۱۲۹. همان.

۱۳۰. طوسی، الفهرست، ص ۲۴۷؛ نجاشی، رجال، ص ۴۱۸.

۱۳۱. طوسی، الاستبصار، ج ۱، ص ۴۴۴؛ همان، ج ۳، ص ۳۹ و ۱۸۰.

۱۳۲. کافی، ج ۱، ص ۱۴۵ و ۱۴۸؛ همان، ج ۲، ص ۱۳؛ توحید، ص ۳۳۴.

۱۳۳. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۷۹؛ دلائل الامامة، ص ۴۱۴ و ۴۲۷.

۱۳۴. عیون اخبار الرضا (ع)، ج ۲، ص ۹۸.

۱۳۵. کافی، ج ۱، ص ۲۱۷.

است. منقولات وی، فقط در نزد چند راوی قمی، به خصوص حسین بن محمد بن عامر مورد اقبال قرار گرفته است و کلینی نیز تمام روایات معلی را از طریق ابن عامر نقل می‌کند.

اسماعیل بن علی عمی، یکی دیگر از محدثان موثق امامیه می‌باشد که در نیمه سده سوم هجری در بصره می‌زیسته است.^{۱۳۷} او کتاب‌های بسیاری را تألیف کرده بود^{۱۳۸} که مهم‌ترین آنها کتاب *ما اتفقت علیه العامة بخلاف الشیعة من اصول الفرائض* می‌باشد.^{۱۳۹} این اثر را عبدالعزیز جلودی (م. ۳۳۲ ق) که از عالمان امامی بصره می‌باشد، روایت کرده است.^{۱۴۰}

برخی دیگر از محدثان نیز در این بازه زمانی در بصره فعال بوده‌اند که نسبت به افراد یادشده از جایگاه ویژه‌ای برخوردار نبوده‌اند و در دوره‌های بعدی، رجال‌شناسان امامیه از جهاتی شخصیت حدیثی آنان را مورد تردید و خدشه قرار داده‌اند؛ از جمله این افراد، عبدالملک بن منذر عمی بصری می‌باشد که از سوی رجالیان امامی تضعیف شده است.^{۱۴۱} البته احمد بن ابی عبدالله برقی (م. ۲۷۴ ق) از محدثان نامدار قمی، کتاب حدیثی عبدالملک بن منذر را از او فراگرفته و در قم نقل کرده است.^{۱۴۲} ابوطالب ازدی شعرانی بصری نیز از محدثان ناشناخته بصره است که تنها محمد بن خالد برقی قمی، کتاب او را روایت کرده است.^{۱۴۳}

افزون بر افراد یادشده، محدثانی دیگری نیز در این دوره زمانی در بصره فعالیت حدیثی می‌کردند که می‌توان از جمله آنها به: فضل بن مبارک بصری،^{۱۴۴} عباد بن کثیر بصری، خلف بصری، حسین بن اسد بصری، مختار بن زیاد بصری، ابویحیی محمد بن یحیی بصری، احمد بن حسن قزاز بصری، علی بن میسر بصری، ابواحمد عمر بن ربیع بصری، ابوعثمان عمرو بن جمیع ازدی بصری، ابوجعفر محمد بن صدقه عنبری بصری، محمد بن تمیم نهشلی تمیمی بصری، وهیب بن خالد بصری، ابوطالب بصری و حجاج بن سفیان عبدی بصری^{۱۴۵}

۱۳۶. همان، ص ۴۱۲.

۱۳۷. طوسی، *الفهرست*، ص ۴۸؛ نجاشی، *رجال*، ص ۳.

۱۳۸. طوسی، *الفهرست*، ص ۴۸.

۱۳۹. همان؛ نجاشی، *رجال*، ص ۳۰.

۱۴۰. طوسی، *الفهرست*، ص ۴۸.

۱۴۱. همان، ص ۲۴۰.

۱۴۲. همان، ص ۱۷۹.

۱۴۳. نجاشی، *رجال*، ص ۴۵۹.

۱۴۴. کتاب *من لا یحضره الفقیه*، ج ۳، ص ۱۵۴.

۱۴۵. *کشف الغمّة*، ج ۳، ص ۲۱۸.

اشاره کرد.^{۱۴۶}

فعالیت خطّ حدیثی متهم به غلو در بصره

در اواخر سده دوم و اوایل سده سوم هجری می‌توان به طور دقیق فعالیت‌های خطّ متهمان به غلو را در بصره پیگیری و رصد کرد. افراد قابل توجهی از این جریان، در حوزه‌های حدیثی و معارفی امامیه فعال بوده‌اند و فعالیت آنان در بصره نیز تقریباً تا اواخر سده سوم هجری نیز تداوم یافته است. از چهره‌های نامدار این نحله فکری می‌توان به محمد بن سلیمان بن عبدالله دیلمی بصری، از اصحاب امام کاظم (ع) و امام رضا (ع) اشاره کرد^{۱۴۷} که در اواخر سده دوم در بصره فعالیت می‌کرده است. او اصالتاً اهل کوفه می‌باشد و پدرش ابو محمد سلیمان بن عبدالله دیلمی نیز در زمره رجال امامیه قرار دارد^{۱۴۸} که درباره‌اش گفته‌اند: «کان غالباً کذاباً».^{۱۴۹} البته از حضور سلیمان بن عبدالله دیلمی در بصره اطلاعی نداریم؛ اما فرزندش محمد بن سلیمان در بصره می‌زیسته و به بصری معروف بوده است.^{۱۵۰} محمد بن سلیمان دیلمی نیز همانند پدرش در معرض اتهام غلو قرار داشته است؛ تا جایی که برخی رجالیان امامیه با تعبیر «کان من الغلاة الکبار» از او نام برده‌اند.^{۱۵۱} با این حال، جایگاه پدر و پسر در میراث روایی امامیه قابل توجه و پُررنگ می‌باشد و در موضوعات گوناگون از جمله فقهی و اعتقادی، از آنان روایت نقل شده است.^{۱۵۲} شاید از این روست که برخی عالمان امامیه ناچار شده‌اند غیر از روایات منفرد، دیگر منقولات آنها را بپذیرند.^{۱۵۳} گفتنی است، کسانی چون ابراهیم بن اسحاق احمر نهاوندی و سهل بن زیاد آدمی که به

۱۴۶. اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۶۹۰؛ طوسی، رجال، ص ۳۷۵، ۳۷۸، ۳۸۵، ۳۹۱؛ نجاشی، رجال، ص ۷۸، ۲۷۹، ۲۸۴، ۲۸۸، ۳۶۴، ۳۶۵، ۴۳۱ و ۴۵۷.

۱۴۷. طوسی، رجال، ص ۳۴۳ و ۳۶۳.

۱۴۸. طوسی، الفهرست، ص ۱۳۸؛ نجاشی، رجال، ص ۱۸۲.

۱۴۹. نجاشی، رجال، ص ۱۸۲. البته ابن غضائری نیز از شخصی به نام سلیمان بن زکریای دیلمی با عنوان «کذاب و غال» یاد کرده است. (ابن غضائری، رجال، ص ۶۷) به احتمال زیاد، این فرد، همان سلیمان بن عبدالله دیلمی است.

۱۵۰. طوسی، رجال، ص ۲۴۳ و ۲۶۳؛ معالم العلماء، ص ۱۳۰.

۱۵۱. اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۶۷۳.

۱۵۲. بصائر الدرجات، ص ۸۰، ۲۴۳، ۲۵۰، ۴۱۳، ۴۵۹؛ کافی، ج ۱، ص ۱۱، ۱۲، ۱۵۰، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۸۵، ۴۳۰؛ همان، ج ۳، ص ۱۶۱ و ۳۹۹؛ همان، ج ۴، ص ۵۴۸؛ کامل الزیارات، ص ۴۴؛ صدوق، امالی، ص ۲۷۴، ۳۰۸، ۵۰۴؛ ثواب الأعمال، ص ۱۴۶، ۲۰۸، ۲۱۰؛ الاستبصار، ج ۴، ص ۲۵۶؛ تهذیب الاحکام، ج ۱، ص ۴۱۰؛ همان، ج ۲، ص ۱۰۹، ۱۲۲، ۲۰۳ و ۲۱۱.

۱۵۳. نجاشی، رجال، ص ۱۸۲ و ۳۶۵.

غلوگرایی متهم بودند نیز به نقل روایات محمد بن سلیمان دیلمی و پدرش توجه نشان داده‌اند.^{۱۵۴}

ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن اصم مسمعی بصری، یکی از مهم‌ترین شخصیت‌های متهم به غلو در بصره به شمار می‌رود. عبدالله اصم مسمعی، در جریان متهمان به غلو بصره قرار داشته است و از جمله شاگردان عبدالله بن قاسم بن حارث البطل واقفی و عالی بصره محسوب می‌شود.^{۱۵۵} رجال شناسان امامیه، به غلو و ارتفاع وی تصریح کرده‌اند.^{۱۵۶} آن چیزی که موجب شده رجالیان امامی علیه عبدالله اصم بصری موضع‌گیری داشته باشند، کتاب *المزاروی* بوده است^{۱۵۷} که ابن غضائری درباره این اثر گفته است: «له کتاب فی الزیارات، ما يدل علی خبث عظیم و مذهب متهافت».^{۱۵۸} نجاشی هم با تعبیر «هو تخلیط»، آن را وصف کرده است.^{۱۵۹} با این همه، ابن قولویه قمی (م. ۳۶۸ ق) احادیث بسیاری از این اثر یاد شده در کتاب *کامل الزیارات* بازتاب داده که قابل تأمل است.^{۱۶۰} البته عالمان امامی کتاب *المنسوخ* او را خالی از اشکال می‌دانستند و حتی محمد بن عیسی بن عبید یقطنی آن کتاب را از اصم فراگرفت و بعدها نیز این اثر در میان قمی‌ها نشر پیدا کرد.^{۱۶۱}

یکی از مهم‌ترین شاگردان عبدالله اصم بصری، شخصی به نام عبدالله بن حماد بصری می‌باشد^{۱۶۲} که آگاهی چندانی از این شخصیت نداریم. شوشتری، رجال شناس معاصر، او را همان عبدالله بن حماد انصاری از مشایخ مقیم قم پنداشته است؛^{۱۶۳} ولی با توجه به اینکه هیچ‌یک از رجالیان متقدم امامیه ابن حماد انصاری را بصری معرفی نکرده‌اند، پذیرش نظر

۱۵۴. کافی، ج ۱، ص ۱۱، ۱۲، ۳۰۰ و ۴۳۰؛ همان، ج ۴، ص ۵۴۸؛ همان، ج ۷، ص ۲۶۶؛ صدوق، *امالی*، ص ۳۰۸.

۱۵۵. صدوق، *امالی*، ص ۲۷۵؛ نجاشی، *رجال*، ص ۲۲۶. همچنین، درباره شخصیت عبدالله بن قاسم البطل، رک:

نجاشی، *رجال*، ص ۲۲۶؛ طوسی، *رجال*، ص ۱۷۳ و ۱۷۴؛ ابن غضائری، *رجال*، ص ۷۸؛ *قاموس الرجال*، ج ۶، ص

۵۵۴، ۵۵۵ و ۵۵۶؛ *میراث مکتوب شیعه*، ص ۲۰۱.

۱۵۶. نجاشی، *رجال*، ص ۲۱۷؛ ابن غضائری، *رجال*، ص ۷۶ و ۷۷.

۱۵۷. نجاشی، *رجال*، ص ۲۱۷.

۱۵۸. ابن غضائری، *رجال*، ص ۷۶.

۱۵۹. نجاشی، *رجال*، ص ۲۱۷.

۱۶۰. *کامل الزیارات*، ص ۱۴۴، ۱۶۷، ۱۶۹، ۱۷۷، ۱۷۸، ۲۰۳، ۲۰۶، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳-۲۴۷،

۲۵۰، ۲۵۷، ۲۷۵، ۲۹۰، ۳۴۴، ۳۵۷، ۴۲۶، ۴۶۲، ۴۷۰، ۴۷۲، ۴۹۵، ۵۳۹، ۵۴۸، ۵۵۲ و ۵۵۳.

۱۶۱. نجاشی، *رجال*، ص ۲۱۷.

۱۶۲. *کامل الزیارات*، ص ۱۴۴، ۱۶۷، ۱۶۹، ۱۷۶ و ۱۷۷.

۱۶۳. *قاموس الرجال*، ج ۶، ص ۳۲۴ و ۳۲۵.

محقق شوشتری دشوار به نظر می‌رسد. به هر روی، بیشتر منقولات عبدالله اصم بصری، از طریق عبدالله بن حماد بصری در منابع انعکاس یافته است. با توجه به روایات فراوان او از اصم بصری در موضوع زیارت،^{۱۶۴} به نظر می‌آید کتاب جنجال برانگیز المزار استادش را نیز در اختیار داشته است.

محمد بن جمهور عمی بصری، از محدثان ممتاز متهم به غلو بصره نیز از روایان عبدالله بن اصم بصری محسوب می‌شود که در شمار اصحاب و روایان امام رضا (ع) نیز قرار داشته است.^{۱۶۵} گفته شده او پس از شهادت حضرت رضا (ع)، به همراه جمعی از بزرگان شیعه برای آگاهی از وضعیت جانشینی آن حضرت رهسپار مدینه شده بود^{۱۶۶} که این موضوع، نشان دهنده جایگاه برجسته وی در میان جامعه امامی بصره است؛ با این حال، رجالیان امامیه محمد بن جمهور عمی را به غلو و فساد مذهب متهم کرده‌اند.^{۱۶۷}

ابن جمهور بصری در عرصه حدیث بصره نیز فعال بود و تا پایان عمرش از او استماع حدیث کرده‌اند^{۱۶۸} و روایات او در منابع امامیه به وفور یافت می‌شود.^{۱۶۹} احتمالاً کثرت منقولات ابن جمهور در میان امامیان، ابن غضائری را واداشته تا بر عدم نقل احادیث وی تأکید ورزد و بگوید: «فاسد الحدیث، لا یکتب حدیثه». ^{۱۷۰} البته علاوه بر مصادر اصلی امامیه، در آثار غلوگرایانی چون حسین بن حمدان خصیبه نصیری نیز روایات وی بازتاب یافته است.^{۱۷۱} باید افزود که ابن جمهور بصری، با محدثان غلوگرایی چون یونس بن ظبیان و محمد بن عبدالله بن مهران کرخی مرتبط بوده است.^{۱۷۲}

فرزندان و شاگردان ابن جمهور بصری نیز در محافل محدثان متهمان به غلو بصره مطرح

۱۶۴. کامل الزیارات، ص ۱۴۴، ۱۶۷، ۱۶۹، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸، ۲۰۳، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۸، ۲۴۲، ۲۴۴ و ۲۴۵.

۱۶۵. ابن ندیم، فهرست، ص ۲۷۸؛ نجاشی، رجال، ص ۳۳۷.

۱۶۶. مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۴۸۹.

۱۶۷. طوسی، رجال، ص ۳۶۴؛ نجاشی، رجال، ص ۳۳۷؛ ابن غضائری، رجال، ص ۹۲.

۱۶۸. نجاشی، رجال، ص ۳۳۷.

۱۶۹. در این باره رک: المحاسن، ج ۱، ص ۲۰۸ و ۲۳۱؛ همان، ج ۲، ص ۴۷۱، ۴۷۸، ۴۸۲ و ۵۵۲؛ بصائر الدرجات، ص ۴۳، ۵۱، ۱۰۱، ۱۵۱، ۴۳۵، ۴۹۷، ۵۰۹، ۵۱۴ و ۵۱۷؛ الامامة والتبصرة، ص ۱۰۹ و ۱۳۱؛ کافی، ج ۱، ص ۴۹، ۵۴، ۱۴۵،

۱۸۱، ۱۸۴، ۱۹۲ و ۱۹۳؛ همان، ج ۲، ص ۱۹۰، ۲۲۰، ۲۹۵ و ۳۶۴؛ صدوق، امالی، ص ۱۰۸، ۳۰۶ و ۳۸۲؛ توحید، ص

۶۸؛ خصال، ص ۱۲۴ و ۲۹۳.

۱۷۰. ابن غضائری، رجال، ص ۹۲.

۱۷۱. الهدایة الکبری، ص ۷۶، ۹۶، ۲۸۶، ۳۶۰، ۳۶۲ و ۳۶۷.

۱۷۲. طب الائمة، ص ۲۲؛ الهدایة الکبری، ص ۷۶، ۹۶ و ۳۶۲.

بوده‌اند. فرزندش حسن بن محمد بن جمهور عمی بصری، در نیمه سده سوم در بصره فعال بوده است و از او با تعبیر «من رواه أهل البيت و حامل الأثر عنهم» یاد کرده‌اند.^{۱۷۳} اصحاب امامی بصره، به فراگیری روایات وی اقبال نشان داده‌اند و رجال شناسان امامیه، شخصیت حدیثی حسن بن جمهور را نیز ستوده و حتی او را موثق ترو صالح تر از پدرش معرفی کرده‌اند؛^{۱۷۴} اما با وجود این، به نقل روایت وی از ضعف و اعتمادش بر اخبار مراسیل خورده گرفته‌اند.^{۱۷۵} از جمله فرزندان ابن جمهور عمی بصری، حسین بن محمد بن جمهور بصری می‌باشد که در شمار محدثان شیعه قرار داشته است^{۱۷۶} و برخی از منقولاتش را غلوگرایان نصیری انتشار داده‌اند.^{۱۷۷} همچنین، ابن غضائری از شخصی به نام «معلی بن راشد عمی بصری» نام برده و او را با عنوان «ضعیف» و «غالی» وصف کرده است.^{۱۷۸} معلی بن راشد، از تبار خاندان بنی عم بوده است؛ اما از ارتباطش با ابن جمهور عمی، چیزی نمی‌دانیم.

چند تن از شاگردان محمد بن جمهور نیز در زمره محدثان سرشناس جریان متهم به غلو بصره قرار دارند؛ ابویعقوب یوسف بن سخت بصری، یکی از آنها می‌باشد^{۱۷۹} که در شمار اصحاب امام حسن عسکری (ع) نیز جای داشته است.^{۱۸۰} ابن غضائری با تعبیر «ضعیف، مرتفع القول» او را وصف کرده است.^{۱۸۱} ابن ولید قمی و به تبعش شیخ صدوق نیز وی را از رجال کتاب *نوادیر الحکمة* محمد بن احمد بن یحیی اشعری استثنا کرده‌اند؛^{۱۸۲} با این حال، روایاتی از ابن سخت بصری در مصادر امامیه وجود دارد^{۱۸۳} و بزرگانی چون محمد بن مسعود عیاشی و محمد بن احمد بن یحیی اشعری، از وی استماع حدیث کرده‌اند.^{۱۸۴}

۱۷۳. *لسان المیزان*، ج ۲، ص ۱۹۸.

۱۷۴. نجاشی، *رجال*، ص ۶۲.

۱۷۵. همان.

۱۷۶. *اعلام الوری*، ج ۲، ص ۱۲۲.

۱۷۷. *الهدایة الکبری*، ص ۲۰۴، ۲۸۶ و ۳۰۰.

۱۷۸. ابن غضائری، *رجال*، ص ۹۷.

۱۷۹. *المحاسن*، ج ۲، ص ۴۸۲؛ *اختیار معرفة الرجال*، ج ۱، ص ۳۸۱، ۴۱۵ و ۴۱۶؛ طوسی، *رجال*، ص ۴۵۰.

۱۸۰. طوسی، *رجال*، ص ۴۰۳.

۱۸۱. ابن غضائری، *رجال*، ص ۱۰۳.

۱۸۲. نجاشی، *رجال*، ص ۳۴۸.

۱۸۳. *المحاسن*، ج ۲، ص ۴۸۲؛ *کافی*، ج ۴، ص ۱۴۹؛ همان، ج ۵، ص ۹۶ و ۹۷؛ همان، ج ۶، ص ۵۰۱ و ۵۰۸؛ *عیون*

اخبار الرضا (ع)، ج ۱، ص ۳۶، ۳۸ و ۴۵؛ *کفایة الأثر*، ص ۱۱۳؛ *تهذیب الاحکام*، ج ۴، ص ۳۰۴؛ همان، ج ۶، ص

۲۱۱.

۱۸۴. *تفسیر العیاشی*، ج ۱، ص ۱۶؛ همان، ج ۲، ص ۸۴؛ طوسی، *رجال*، ص ۴۵۰.

احمد بن محمد بن سیار بصری، معروف به سیاری،^{۱۸۵} یکی دیگر از شاگردان ابن جمهور عمی بصری است^{۱۸۶} که در جریان حدیثی متهم به غلو بصره نقش آفرین بوده است. رجال شناسان بغدادی، به شدت شخصیت سیاری را به چالش کشیده‌اند.^{۱۸۷} همچنین، او یکی از افراد استثنا شده ابن ولید قمی و شیخ صدوق از رجال کتاب *نوادیر الحکمة* می‌باشد.^{۱۸۸} با این همه، سیاری بخشی از میراث روایی امامیه را در اختیار داشته و محدثان برجسته‌ای چون: عبدالله بن جعفر حمیری،^{۱۸۹} احمد بن ابی عبدالله برقی،^{۱۹۰} حسین بن محمد بن عامر اشعری^{۱۹۱} و محمد بن احمد بن یحیی اشعری،^{۱۹۲} به نقل حدیث وی اهتمام ورزیده‌اند.

یکی از چهره‌های شاخص متهمان به غلو بصره، ابو محمد حسن بن راشد طفاوی بصری است^{۱۹۳} که با محمد بن جمهور عمی بصری نیز ارتباط داشته و به همراه او، پس از شهادت امام رضا (ع) برای آگاهی از جانشینی آن حضرت به مدینه سفر کرده است.^{۱۹۴} همچنین، طفاوی، با علی بن اسماعیل میثمی از متکلمان امامی مقیم بصره مرتبط بوده است. او علاوه بر استماع حدیث،^{۱۹۵} یکی از کتاب‌های میثمی را نیز روایت کرده است؛^{۱۹۶} با این حال، طفاوی بصری از انتقادهای تند و تیز رجال شناسان بغدادی در امان نمانده است.^{۱۹۷} البته نجاشی، طفاوی را فردی «کثیر العلم» و کتاب نوادرش را با تعبیر «حسن» شناسانده

۱۸۵. نجاشی، رجال، ص ۸۰. کشی، او را اصفهانی دانسته و ابن غضائری، او را قمی خوانده است. (اختیار معرفة الرجال،

ج ۲، ص ۸۶۵؛ ابن غضائری، رجال، ص ۴۰)

۱۸۶. المحاسن، ج ۲، ص ۴۷۱ و ۴۷۸؛ کافی، ج ۲، ص ۱۹۰.

۱۸۷. طوسی، الفهرست، ص ۶۶؛ نجاشی، رجال، ص ۸۰؛ ابن غضائری، رجال، ص ۴۰.

۱۸۸. نجاشی، رجال، ص ۳۴۸.

۱۸۹. کافی، ج ۲، ص ۶۲۴؛ همان، ج ۶، ص ۴۲۶ و ۵۲۳.

۱۹۰. خصال، ص ۱۵۶؛ علل الشرائع، ج ۲، ص ۳۸۴.

۱۹۱. کافی، ج ۱، ص ۲۴؛ همان، ج ۵، ص ۲۱۵ و ۳۳۶؛ همان، ج ۶، ص ۸، ۲۵۲، ۲۸۳، ۳۰۳ و ۳۳۶؛ علل الشرائع، ج ۲، ص ۴۴۶.

۱۹۲. نجاشی، رجال، ص ۳۴۸.

۱۹۳. نجاشی، رجال، ص ۳۸. البته ابن غضائری از او با عنوان «ابو محمد حسن بن اسد طفاوی بصری» نام برده است (ابن غضائری، رجال، ص ۵۲) که در واقع، همان «حسن بن راشد» است (قاموس الرجال، ج ۳، ص ۲۳۴).

۱۹۴. مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۴۸۹.

۱۹۵. کافی، ج ۱، ص ۳۷۷؛ همان، ج ۳، ص ۵۷۰.

۱۹۶. ابن غضائری، رجال، ص ۵۲.

۱۹۷. نجاشی، رجال، ص ۳۸؛ ابن غضائری، رجال، ص ۵۲.

است. ۱۹۸.

غیر از افرادی که به آنها اشاره شد، کسانی دیگری هم از اصحاب امامیه بصره به غلو و ضعف متهم شده بودند. در این باره می‌توان از: محمد بن صدقه بصری،^{۱۹۹} ابوسعید حسین بن علی بن زکریا عدوی بصری، خلف بن محمد بن ابی الحسن ماوردی بصری، ابومحمد صالح بن علی بن عطیه اضخم بصری و اسحاق بن محمد بن احمد بصری نام برد.^{۲۰۰}

دستاورد

تا پیش از مهاجرت اصحاب کوفی به بصره در اوایل سده دوم هجری، صرف نظر از برخی اصحاب امیر مؤمنان (ع) و در ادامه برخی از اصحاب امام باقر (ع)، نمی‌توان از یک جریان منسجم و فعال حدیثی در بصره سخن به میان آورد.

هم‌زمان با آغاز فعالیت‌های کلامی معتزله در بصره و در پی آن با فروکش کردن فضای عثمانی‌گرایی در آنجا، برخی از محدثان سرشناس کوفه - در خلال نیمه اول قرن دوم تا اوایل قرن سوم هجری - به بصره مهاجرت کردند که در میان آنان، برخی از اصحاب اجماع مانند فضیل بن یسار نهدی و حماد بن عیسی جهنی قرار داشتند. حضور اینان، در شکل‌گیری جریان حدیثی امامیه در بصره مؤثر بوده است.

زندانی شدن امام کاظم (ع) در بصره به مدت یک سال و ارتباطات ایشان از درون زندان با شیعیان و همچنین، حضور امام رضا (ع) در مدتی کوتاه در این شهر، در تقویت این جریان نیز بی‌تأثیر نبوده است.

حدیث‌گرایان متهم به غلو، مانند عبدالله اصم بصری و محمد ابن جمهور عمی نیز در جریان حدیثی امامیه بصره فعالیت قابل توجهی داشتند. جریان حدیثی امامیه در بصره، تا آغاز غیبت صغرا در بصره فعال و شکوفا بوده است.

منابع

- اختیار معرفة الرجال، محمد بن حسن طوسی، تعلیق: میرداماد استرآبادی، تحقیق: سید مهدی رجبی، قم: مؤسسه آل‌البیت (ع)، ۱۴۰۴ ق.

۱۹۸. نجاشی، رجال، ص ۳۸.

۱۹۹. طوسی، رجال، ص ۳۳۶.

۲۰۰. ابن غضائری، رجال، ص ۵۳، ۵۷ و ۷۰؛ اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۴۶۳، ۴۹۵ و ۷۰۴.

- الاستبصار، محمدبن حسن طوسى، تحقيق: سيد حسن خرسان، تهران: دارالكتب الاسلامية، ١٣٦٣ش.
- الاصابة، ابن حجر، تحقيق: عادل عبدال موجود، بيروت: دارالكتب العلمية، ١٤١٥ق.
- الامالى، شيخ صدوق، قم: مؤسسه البعثة، چاپ اول، ١٤١٧ق.
- الامالى، محمدبن حسن طوسى، قم: مؤسسه البعثة، ١٤١٤ق.
- الامامة والتبصرة، ابن بابويه قمى، قم: مدرسة الامام المهدي، ١٤٠٤ق.
- الانساب، عبدالكريم بن محمد سمعانى، تحقيق: عبدالله البارودى، بيروت: دارالجنان، ١٤٠٨ق.
- البيان والتبيين، ابوعثمان عمروبن بحر جاحظ، بى جا: مكتبة التجارية الكبرى، ١٣٤٥ق.
- التوحيد، شيخ صدوق، تحقيق: سيد هاشم طهرانى، قم: منشورات جماعة المدرسين، ١٣٩٨ق.
- الثقات، ابن حبان، حيدرآباد دكن: مؤسسه الكتب الثقافة، ١٣٩٣ق.
- الجرح والتعديل، عبدالرحمن بن محمد بن ابى حاتم،، بيروت: دار احياء التراث العربى، ١٣٧٢ق.
- الخصال، شيخ صدوق، تحقيق: على اكبر غفارى، قم: منشورات جماعه المدرسين، ١٤٠٣ق.
- الضعفاء، محمدبن عمرو عقيلى، تحقيق: امين قلجعى، بيروت: دارالكتب العلمية، ١٤١٨ق.
- الطبقات الكبرى، ابن سعد، بيروت: دار صادر، بى تا.
- العلل، احمد بن حنبل، تحقيق: وصى الله عباس، بيروت: المكتب الاسلامى، ١٤٠٨ق.
- الفهرست، محمدبن حسن طوسى، تحقيق: جواد قيومى، قم: مؤسسه النشر الفقاهة، ١٤١٧ق.
- الكافى، محمدبن يعقوب كلينى، تحقيق: على اكبر غفارى، تهران: دارالكتب الاسلامية، ١٣٦٣.
- الكامل، عبدالله بن عدى، تحقيق: يحيى غزاوى، بيروت: دار الفكر، ١٤٠٩ق.
- المجروحين من المحدثين والضعفاء والمتروكين، ابن حبان، تحقيق: محمود ابراهيم زايد، مكة المكرمة: دار الباز، بى تا.
- المحاسن، احمد بن ابى عبدالله برقى، تحقيق: جلال الدين ارموى، تهران: دارالكتب

- الاسلامیة، ۱۳۷۰ش.
- المعجم الاوسط، سليمان بن احمد طبرانی، بی جا: دار الحرمین، ۱۴۱۵ق.
- المعجم الكبير، سليمان بن احمد طبرانی، تحقیق: حمدی السلفی، بی جا: دار إحياء التراث العربی، بی تا.
- المغنی فی الضعفاء، محمد بن احمد ذهبی، تحقیق: حازم القاضي، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۸ق.
- الهدایة الكبرى، حسین بن حمدان خصیبی، بیروت: مؤسسة البلاغ، ۱۴۱۱ق.
- بصائر الدرجات، محمد بن حسن صفار، تحقیق: حسن کوجه باغی، تهران: مطبعة الاحمدی، ۱۴۰۴ق.
- تاریخ ابن معین، یحیی بن معین، تحقیق: عبدالله احمد حسن، بیروت: دار القلم، بی تا.
- تاریخ الاسلام، محمد بن احمد ذهبی، تحقیق: عمر عبدالسلام تدمری، بیروت: دار الکتب العربی، ۱۴۰۷ق.
- تاریخ الكبير، محمد بن اسماعیل بخاری، ترکیه: المكتبة الاسلامیة، بی تا.
- تاریخ بغداد، احمد بن علی خطیب بغدادی، تحقیق: مصطفی عطا، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۷ق.
- تاریخ خلیفه، خلیفه بن خیاط، تحقیق: سهیل زکار، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۴ق.
- تاریخ مدینه دمشق، ابن عساکر، تحقیق: علی شیری، بیروت، دار الفکر، ۱۴۲۵ق.
- تفسیر العیاشی، محمد بن مسعود عیاشی، تحقیق: سید هاشم رسولی، تهران: المكتبة العلمیة الاسلامیة، بی تا.
- تهذیب الاحکام، محمد بن حسن طوسی، تحقیق: سید حسن خرسان، تهران: دار الکتب الاسلامیة، ۱۳۶۴ش.
- تهذیب التهذیب، ابن حجر، بیروت: دار الفکر، چاپ اول، ۱۴۰۴ق.
- تهذیب الکمال، جمال الدین یوسف مزی، تحقیق: بشار عواد، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۶ق.
- ثواب الاعمال، شیخ صدوق، تحقیق: محمد مهدی الخرسان، قم: منشورات الرضی، ۱۳۶۸ش.
- خلاصة الاقوال، حسن بن یوسف حلی، تحقیق: جواد قیومی، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۱۷ق.

- دلائل الامامة، محمد بن جرير طبري، قم: مؤسسة البعثة، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
- رجال ابن غضائري، احمد بن حسين غضائري، تحقيق: محمدرضا جلالى، قم: دار الحديث، ۱۴۲۲ق.
- رجال النجاشي، احمد بن على نجاشي، قم: جامعه مدرسين، ۱۴۰۷ق.
- رجال برقي، احمد بن ابى عبدالله برقي، تحقيق: جلال الدين ارموى، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۲ش.
- رجال طوسى، محمد بن حسن طوسى، تحقيق: جواد القيومى، قم: مؤسسة النشر الاسلامى، ۱۴۱۵ق.
- سير الاعلام النبلاء، محمد بن احمد ذهبى، تحقيق: شعيب الارنؤوط، بيروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۳ق.
- طب الأئمة، حسين و عبدالله ابن سابور، قم: نشر الشريف الرضى، ۱۴۱۱ق.
- علل الشرايع، شيخ صدوق، تحقيق: سيد محمد صادق بحر العلوم، نجف: مكتبة الحيدرية، ۱۳۸۵ق.
- عمدة الطالب، احمد بن عنبه، تحقيق: محمد حسن آل طالقانى، نجف: مطبعة الحيدرية، ۱۳۸۰ق.
- عيون اخبار الرضا (ع)، شيخ صدوق، تحقيق: حسين اعلمى، بيروت: مؤسسة الاعلمى، ۱۴۰۴ق.
- فهرست ابن نديم، محمد بن اسحاق، تحقيق: رضا تجدد، بى جا: ۱۳۵۰ش.
- قاموس الرجال، محمد تقى شوشترى، قم: مؤسسة النشر اسلامى، ۱۴۱۹ق.
- قبول الاخبار، عبدالله بن احمد ابوالقاسم البلخى، تحقيق: ابى عمرو الحسينى، بيروت: دار الكتب العلمية، چاپ اول، ۱۴۲۱ق.
- قرب الاسناد، عبدالله بن جعفر حميرى، قم: مؤسسة آل البيت (ع)، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
- كامل الزيارات، ابن قولويه، تحقيق: جواد قيومى، قم: مؤسسة النشر الفقاهة، ۱۴۱۷ق.
- كتاب من لا يحضره الفقيه، شيخ صدوق، تحقيق: على اكبر غفارى، قم: مؤسسة النشر الاسلامى، بى تا.
- كشف الغمة فى معرفة الأئمة، على بن عيسى اربلى، بيروت: دار الاضواء، ۱۴۰۵ق.
- كفاية الاثر، على بن محمد خزاز قمى، تحقيق: سيد عبد اللطيف كوه كمرى، قم: انتشارات بيدار، ۱۴۰۱ق.

- لسان المیزان، ابن حجر، بیروت: مؤسسة الاعلمی، چاپ دوم، ۱۳۹۰ق.
- مجمع الزوائد، علی بن ابی بکر هیشمی، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۰۸ق.
- مستطرفات السرائر، محمد بن ادريس، لجنة التحقيق، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۱۱ق.
- معالم العلماء، ابن شهر آشوب، تحقیق: محمد صادق بحر العلوم، بیروت: دار الاضواء، بی تا.
- معجم الرجال، سید ابوالقاسم خویی، بی جا: چاپ پنجم، ۱۴۱۳ق.
- مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب، تحقیق: لجنة من الأساتذ، نجف: مطبعة الحیدریة، ۱۳۷۶ق.
- میراث مکتوب، سید حسین مدرس، ترجمه: علی قرائی و رسول جعفریان، قم: نشر مورخ، ۱۳۸۶ش.
- میزان الاعتدال، محمد بن احمد ذهبی، تحقیق: علی البجاوی، بیروت: دار المعرفة، ۱۳۸۳ق.